

ایران و فرانسه: آن سوی سیمای ظاهری

L, Iran et la France: Malgre les Apperances, Paris, Editions: Europeperse, 2008, 244 p.

کتاب مذکور حاوی مجموعه مقالاتی است که از جانب نویسندگان ایرانی و فرانسوی به مناسبت دویستمین سالگرد انعقاد قرارداد فین کنشتاین^۱ که در سال ۱۸۰۷ میلادی بین ایران و فرانسه به امضا رسید انتشار یافته است. «مؤسسه اروپایی مطالعات عالی ایران» در پاریس از سال ۲۰۰۶ اقدام به جمع آوری مجموعه مقالات پژوهشی درخصوص پیشینه روابط ایران و فرانسه و برخی دیگر از مسائل مطروحه در روابط میان دو کشور نمود. این مقالات توسط مؤلفین و نویسندگان طی همایشی که به این منظور در تاریخ ۲۱ دسامبر ۲۰۰۷ با سرپرستی رئیس مجلس سنای فرانسه آقای کریستیان پوسلت^۲ و همکاری گروه دوستی ایران و فرانسه در مجلس سنای فرانسه برگزار شد، ارائه گردید. در واقع، هدف مؤلفین این مقالات تلاش برای آشنایی با روابط دویست ساله دو کشور از طریق ارتباطات سیاسی، تاریخی و فرهنگی میان دو کشور بوده است.

کتاب «ایران و فرانسه: آن سوی سیمای ظاهری» شامل ۱۴ مقاله می باشد که هریک به نوعی گویای وجهی متفاوت از روابط دیرین سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دو کشور است. در اینجا به اختصار عناوین هریک از مقالات و توضیحی کوتاه راجع به آن نقل می شود:

۱. «ایران و فرانسه، رویکردی جدید از یک تاریخ کهن»، آقای محمود دلفانی در مقاله خود به این موضوع اشاره دارد که فرانسه از جمله نخستین کشورهایی است که

1. Finkenstein
2. Christian Poclet
3. Tilsit

با ایران در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی روابط برقرار نموده است. سابقه اولین ارتباطات به قرن سیزدهم بازمی‌گردد که به مبادله نامه و اعزام فرستاده ویژه محدود می‌گردید. معاهده فین‌کنشتاین که در تاریخ ۴ می ۱۸۰۷ بین ناپلئون بناپارت و میرزا رضا قزوینی فرستاده ویژه فتحعلی‌شاه به امضا رسید، در واقع پیمانی علیه روسیه بود که چند ماهی طول نکشید که فرانسوی‌ها با امضای قرارداد تیلسیت^۲ با روس‌ها باعث شدند که ایرانی‌ها چنین اقدامی را نوعی خیانت به خود قلمداد کنند. نویسندگان روابط دو کشور را بسیار پر فرازونشیب خوانده که خالی از منافع استراتژیک بوده و صرفاً در حوزه فرهنگی متمرکز بوده است. تاریخ روابط سیاسی بسیار شکننده بوده که در دو دوره، نخست ۲۹ دسامبر ۱۹۳۸ در دوره پهلوی اول و سپس ۱۶ جولای ۱۹۸۷ چند سال پس از انقلاب اسلامی قطع گردیده است. علی‌رغم سفر ژنرال دوگل به تهران در ۱۹۶۳ فرانسه نه تنها موقعیت سیاسی قابل‌ملاحظه‌ای در ایران کسب نکرد بلکه جایگاه فرهنگی این کشور نیز به تدریج کاهش یافت. زبان فرانسه در جریان قطع روابط دیپلماتیک در سال‌های ۱۹۳۰ جایگاه ویژه خود در جامعه ایرانی را به عنوان اولین زبان خارجی از دست داد.

۲. «ایران و فرانسه: دیروز، امروز، فردا»، خانم سیما طاهری معاون مؤسسه اروپایی مطالعات عالی ایران در پاریس به نحوه برگزاری همایش ایران و فرانسه و اهداف موردنظر پرداخته است. ایجاد دیدگاه‌های متفاوت با تکیه بر فرهنگ غنی دو کشور می‌تواند سرآغاز شروع مجدد همکاری‌های گسترده میان دو کشور شود.

۳. «همکاری مشترک جهت دستیابی به صلح»، سناتور ایمری دومنتسکیو^۱ رئیس گروه دوستی فرانسه-ایران در مقاله خود به اهمیت و جایگاه ایران اشاره دارد که سنای فرانسه همواره در توسعه روابط با این کشور فعال است. وی همچنین به دفاع از استقلال طلبی ایران که موردنظر غربی‌ها نیست اشاره داشته و تأکید می‌کند غرب باید با ایران به گفتگو بپردازد. نویسنده از ایران به عنوان چهارمین تولیدکننده نفت جهان یاد می‌کند که صنایع نفت آن شدیداً به سرمایه‌گذاری خارجی نیازمند است لیکن قانون داماتو یک مانع جدی برای این کار است.

1. Aymeri de Montesquiou

۴. «ادبیات فارسی کلاسیک، ده قرن در فضای یک قاره»، به قلم شارل هانری دوفشکو^۱ استاد دانشگاه سوربن؛ در این مقاله، نویسنده به جایگاه برتر ادبیات کهن فارسی از ابتدای دوره اوستا تا خلفای عباسی اشاره دارد که توانسته مرزهای جغرافیایی خود از هند تا یونان و از سرزمین‌های عربی تا ترکیه امروزی را درنوردد؛ از قرن دهم به این سو هنگامیکه زبان عربی به‌عنوان تنها زبان جهان اسلام شناخته می‌شد، زبان فارسی با نوآوری ادبی، اصالت منحصر به فرد خود را اعلام می‌کند. نویسنده همچنین به شاخص‌های مهم ادبیات فارسی کلاسیک که در قالب نثر و نظم و با هدف‌های تربیتی خلق شده اشاره می‌کند.

۵. «چه کسی شاهد را گواه می‌کند؟»، در این مقاله نویسنده به نقش ادبیات ایران و فرانسه در حمایت از همکاری دو کشور اشاره می‌کند و در این خصوص به بی‌تی از پل سلان^۲ شاعر معاصر فرانسوی می‌پردازد که می‌گوید: هیچ‌کس به شاهد گواه نمی‌دهد. نویسنده این رفتار را ضایعه‌ای برای نسل حاضر می‌داند، مقصود نویسنده از شاهد و گواه، اشاره به ادبیات و تاریخ است.

۶. «رولاند دو مک‌نم^۳: باستان‌شناس فرانسوی در یک کشور پر رنج»، به قلم خانم مرضیه یزدانی دلفانی عضو شورای علمی «مؤسسه اروپایی مطالعات عالی ایران»؛ نویسنده در این مقاله به معرفی رولاند دو مک‌نم باستان‌شناس فرانسوی و اقدامات وی در خصوص اکتشافات و حفاری‌های منطقه تاریخی شوش پرداخته است. رولاند دو مک‌نم پیش از آغاز جنگ جهانی اول و از سال ۱۹۰۳ فعالیت‌های خود را در ایران شروع و تا ۱۹۴۷ ادامه می‌دهد؛ از سال ۱۹۳۰ به بعد این باستان‌شناس فرانسوی فعالیت‌های خود را به صدور اقلام و آثار تاریخی شوش به موزه لوور پاریس متمرکز می‌کند. نویسنده به برخی اسناد تاریخی و نوشته‌های رولاند دو مک‌نم اشاره دارد که در آن باستان‌شناس فرانسوی به رویدادها و حوادث آن دوره ایران و دستگاه سلطنتی پرداخته است.

۷. «اولین روابط دیپلماتیک بین فرانسه و ایران: یک تاریخ طولانی»، به قلم فرانسیس ریشار^۴ مدیر حوزه علمی دانشگاه زبان‌ها و تمدن‌ها. نویسنده در این مقاله به

1. Charles- Henri de Foucheour
2. Paul Celan
3. Roland de Mecquenem
4. Francis Richard

جایگاه اروپاییان در جامعه ایران اشاره می‌کند که تحت عنوان فرنگی‌ها که از واژه Frances مشتق گردیده شناخته می‌شوند. اولین ارتباطات تاریخی و دیپلماتیک دو کشور به دوره ایلخانیان بازمی‌گردد که نویسنده به برخی تحولات و مراودات میان پادشاه فرانسه و سلاطین ایران در این دوره می‌پردازد.

۸. «فرانسه و پیدایش مدرسه مدرن در ایران»، نوشته سعید پیوندی عضو شورای علمی «مؤسسه اروپایی مطالعات عالی ایران» در فرانسه. در این مقاله نویسنده به یکی از نتایج روابط ایران و اروپا پرداخته که در واقع تأسیس مدرسه مدرن فرانسوی در ایران در نیمه قرن نوزدهم است. تأسیس مدرسه مدرن فرانسوی رویدادی است که موجب کاهش جایگاه مکتب‌خانه‌ها در نظام آموزش سنتی ایران می‌شود. مدرسه فرانسوی تأثیر به‌سزایی در توسعه نظام آموزشی جدید در ایران داشته است.

۹. «تسلیم یادداشت به ناپلئون توسط حسن‌علی‌خان، وزیرمختار ایران در مراسم خداحافظی وی در ۱۴ آوریل ۱۸۶۷»، به قلم آرمان کریمی گودرزی، عضو شورای علمی «مؤسسه اروپایی مطالعات عالی ایران» در فرانسه. نویسنده در مقاله خود به نامه ای اشاره می‌کند که با همین عنوان در مرکز اسناد دیپلماتیک نانت (Nante) نگهداری می‌شود و در واقع از اسناد مهم برای محققین حوزه روابط بین ایران و فرانسه در دوره قاجار و پهلوی در قرن نوزدهم و بیستم به‌شمار می‌آید. نوع نگارش و لحن صحبت در نامه همانند آنچه در نامه حاج میرزا آغاسی نخست وزیر محمد شاه به فرستاده ویژه لویی فلیپ^۱ در تهران به چشم می‌خورد می‌باشد: «هن تا حالا بیست بار تکرار کرده‌ام که ما به فرانسه احتیاج داریم».

۱۰. «روابط فرانسه و ایران: یک دیپلماسی در نقاب»، نوشته خانم مریم حبیبی استاد دانشگاه و عضو علمی «مؤسسه اروپایی مطالعات عالی ایران» در فرانسه. نویسنده این مقاله به روابط ایران و فرانسه از منظر تاریخی پرداخته و اشاره دارد که در این روابط یک نقطه مبهم به چشم می‌خورد. فرانسه به‌رغم برخورداری از یک تصویر مطلوب در ایران، نسبت به توسعه حضور خود در این کشور علاقه چندانی نشان نداده است. به‌نظر می‌رسد فرانسه نوعی سیاست پرهیز از ایران را در پیش گرفته است. باوجود

1. Lui Philip

فرصت‌های فراوان در زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی، فرانسه از این ظرفیت‌ها به‌خوبی استفاده نکرده است .

۱۱. «دفاعیه برای مذاکرات بی قیدوشرط آمریکا و ایران»، به قلم هال گاردنر،^۱ استاد دانشگاه و عضو «مؤسسه اروپایی مطالعات عالی ایران» در فرانسه. در این مقاله شیوه برخورد دولت بوش برای حل موضوع هسته‌ای ایران مورد انتقاد قرار گرفته است. نویسنده براین باور است در سال ۲۰۰۳ شرایط بسیار مطلوبی در ایران ایجاد شد که این کشور پیشنهاد حل مسئله هسته‌ای را از طریق مسالمت‌آمیز ارائه داد؛ لیکن دولت بوش نه تنها فرصت را مغتنم نشمرد بلکه به اندیشه تغییر ساختارهای سیاسی ایران به شیوه‌های مختلف افتاد.

۱۲. «دیپلماسی در حال بازسازی: فرانسه و بحران ایران در ۱۹۴۷»، نوشته مارک پاژو^۲ پژوهشگر «مؤسسه اروپایی مطالعات عالی ایران» در فرانسه. در این مقاله نویسنده به برخی رویدادهای تاریخی و حضور دو کشور روسیه و انگلیس در ایران اشاره دارد که در این میان فرانسه دارای نفوذ کمتری نسبت به دو کشور مذکور در ایران بود و روابط آن صرفاً محدود به مراودات فرهنگی و یا اقتصادی می‌گردید. حضور سیاسی فرانسه در ایران بیشتر به اوایل دوران جنگ سرد که منجر به بروز اتفاقات و بحران‌های متعدد سیاسی شد باز می‌گردد. فرانسه حامی یکپارچگی و تمامیت ارضی ایران در مقابل روسیه و انگلیس بود.

۱۳. «سیاست فرانسه و تحریم‌ها برعلیه ایران»، به قلم میشل ماکینسکی^۳ استاد دانشگاه لیژ.^۴ نویسنده در مقاله خود به موضوع هسته‌ای ایران و تأثیر آن در تعاملات با اتحادیه اروپا بویژه فرانسه می‌پردازد. انتشار گزارش نشنال اینتلیجنس استیمیت^۵ در دسامبر ۲۰۰۷ تحت عنوان «مقاصد هسته‌ای ایران و ظرفیت‌ها» به این موضوع اشاره داشت که ایران از سال ۲۰۰۳ برنامه نظامی هسته‌ای خود را متوقف نموده است، در همین چارچوب آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای نیز اعلام داشت هیچ برنامه نظامی هسته‌ای در ایران به چشم نخورده است. این اخبار در جهان غرب واکنش‌های

1. Hall Gardner
2. Marc Pajou
3. Michel Makinsky
4. Liege
5. National Intelligence Estimate

متفاوتی داشت؛ واکنش فرانسه موجب حیرت بسیاری گردید، فرانسه همان رویه جرج بوش را دنبال نمود به این معنی که این گزارشات توقف برنامه هسته‌ای ایران را تایید نمی‌کند و تهدید ایران همچنان باقی است. سیاست فرانسه در پرونده هسته‌ای ایران جایگزین سیاست اسرائیل و انگلیس شد، ایران به دنبال این رفتار فرانسه، سیاست کاهش مبادلات بازرگانی و اقتصادی را دنبال کرد. مؤلف نتیجه‌گیری می‌کند که اروپا بدون داشتن مستندات قوی، اشتباه بزرگی به جهت اصرار بر توقف غنی‌سازی در ایران مرتکب شده و سیاست تحریم را در پیش گرفته است.

۱۴. «شاهنامه خوانی امروز»، به قلم رضا تفرشی محقق «مؤسسه اروپایی مطالعات عالی ایران» در فرانسه. در این مقاله نویسنده به جایگاه فردوسی در ادبیات ایران اشاره دارد به طوری که وی را نه تنها شاعری بلند آوازه بلکه شخصیتی که به ایرانیان هویت اعطا کرد معرفی می‌کند. فردوسی احیاگر تاریخ باستان ایران است، او شاعر تاریخ‌نگار است که با شاهنامه اثر جاویدان خود به ایران هویت داد. ویکتور هوگو نویسنده مشهور فرانسوی در اثر ادبی خود تحت عنوان افسانه‌های قرن به این بزرگ مرد ایران اشاره می‌کند.

سید عبدالله اکبر